یادداشت روز

نصرالله؛ درخت پر ثمر مکتب روح‌الله

سید حسن نصرالله از استثنایی‌ترین روحانی‌هایی بود که در مکتب امام خمینی(ره) و در ادامه آن در مکتب رهبر معظم انقلاب تربیت یافت و تکامل پیدا کرد. تا چند روز پیش باور نداشتیم که او از میان ما رفته است و تا قبل از اینکه جسم پاکش به خاک سپرده شود منتظر بودیم ققنوس‌وار از خاکستر ضاحیه سر برآورد و با همان طمأنینه همیشگی و خنده‌های زیبا پشت تریبون بایستد و چشمان ما خیره به صفحه تلویزیون و گوشهایمان ششدانگ به سخنرانی‌های او جمع باشد و حتی پلک نزنیم تا مبادا لحظه‌ای از دیدن آن چهره با صلابت جا بمانیم. ولی افسوس که روز یکشنبه همه این آرزوها را همراه با تشییع پیکر مطهرش به باد صبا سپردیم و به چشم، دل، گوش خود نوید بازگشت او به همراه مولایمان امام زمان (عج) در ظهور را دادیم. سید مظلوم و حامی کودکان غزه، ما را تاب زمان طولانی نیست، به شرافتت قسم ای عزت دهنده دین خدا و شرف مقاومت، چشم انتظارمان مگذار و حالا که پیش مولایمان عزت و اعتباری داری از حضرتش بخواه تا با ظهورش دیدارمان هرچه زودتر تازه گردد. دیگر باور کردیم که رفتی و یقین داریم که باز می‌گردی!

شهید سید حسن نصرالله الگوی روحانیت عصر ما بود. همان الگویی که پیر خوش‌ضمیر جماران در منشور روحانیت خود در سوم اسفند ۱۳۶۷ جماعتی از جنس او را برای نسل امروز و نسل‌های آینده به درستی به تصویر کشیده بودند. شهید نصرالله بیش از ۴۰ سال همچون سدی محکم و نفوذناپذیر در برابر جنایتکاران صهیونیستی ایستاد. او مصداق بارز آیه ۳۰ سوره مبارکه فصّلت بود که می‌فرماید: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقموا تتنزل علیهم الملئکة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون.» «در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) هان بیم مدارید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.» این وعده الهی برای شهید نصرالله و یاران وفادار او محقق شد و با تشییع بی‌نظیری که در بیروت انجام شد همه آنها که در مراسم تشییع حاضر شدند و دهها میلیون نفری که به دلیل محدودیت از این حضور محروم بودند و در مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها همزمان با مراسم تشییع برای سید مقاومت در جای جای این کره خاکی همراه با ملائکه و فرشتگان اشک ریختند، مهر تایید بر ۴۰ سال زندگی سراسر مبارزه و عزت‌آفرین این سید الهی زدند. این روزها حجم زیادی از مطالب رسانه‌ها به دلنوشته برای سید مقاومت اختصاص یافته است که درخور توجه و تقدیر است اما از این نکته نباید غافل بود که شهید نصرالله شاگرد مکتبی است که حضرت روح الله بنای آن را گذاشت و در منشور روحانیت که از قضا سالگرد صدور آن، تقارن با مراسم تشییع این روحانی الهی بود، درسی برای شناخت روحانیون واقعی است.

اگر بخواهیم یک تعریف و توصیف از شخصیت شهید نصرالله به عنوان روحانی شاخص و در تراز اسلام ارائه دهیم آن تعریف این است که؛ شهید نصرالله، شاخص، الگو و مصداق اتم و اکمل از جریان روحانیت اصیل، ربّانی و تراز در منظومه اسلام ناب محمدی (ص) است. جریان اصیلی که امام خمینی (ره) به خوبی آن را در «پیام منشور روحانیت» تبیین فرموده بودند.

روزهای ابتدائی اسفند ۱۴۰۳، در کنار برگزاری آئین باشکوه تشییع پیکرهای دو سید شهید مقاومت، سید حسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین، در حافظه تاریخی انقلاب اسلامی، یادآور یکی از پیام‌های تاریخی امام راحل در موضوع بسیار مهم جریان‌شناسی روحانیت معاصر است. امام (ره) در این پیام که به پیام منشور روحانیت شهرت یافت، دو خط و جریان از روحانیت را به طور شفاف و متمایز تبیین کردند. خط اول، روحانیت ربّانی، متعهد و وارسته که پرچمدار اسلام ناب محمدی(ص) و مبارزه با طاغوت‌ها و مستکبرین است. و خط دوم، که اندک و کم‌شمارند، یا اسیر تحجّرند یا گرفتار تجدد، اما هر دو، دو روی یک سکه‌اند.

و اما جایگاه سید مقاومت را در کجای منشور روحانیت حضرت امام(ره) می‌توانیم جست‌وجو کنیم. با هم مرور می‌کنیم:

۱-امام راحل در پیام منشور روحانیت خود که در واپسین ماه‌های عمر با برکتشان صادر کردند در تبیین عظمت جایگاه الهی روحانیون متعهدی نظیر شهید سید حسن نصرالله نوشتند: «... سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیات‌شان گوهر شب‌چراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک‌بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند. سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بندبند حدیث صداقت‌شان را قطرات خون و قطعات پاره‌پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانی‌ها را بدهد و مُهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خَلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند».

چه زیبا امام عزیز ما سرنوشت و عاقبت سید مقاومت را دیده بودند. سیدی که جزو آن دسته روحانیونی بودند که فرزند ۱۸ ساله خود را در راه آزادی مناطق جنوب لبنان در سال ۱۹۹۷ یعنی سه سال قبل از آزاد سازی جنوب لبنان از دست دژخیمان رژیم صهیونیستی قربانی کرده بود و مُهر ختام دفتر خود را نیز در مهر ۱۴۰۳ با شهادت خویش به دست رژیم جنایتکار صهیونیستی آن هم نه با یک بمب، بلکه با ۸۵ تن بمب‌های سنگرشکن بست تا درماندگی و سبعیت چنین رژیمی را برای همیشه در حافظه تاریخ ثبت کرده باشد.

۲-امام راحل، در تبیین جایگاه و نقش مکتبی و جریانی روحانیون اصیلی نظیر شهید سید حسن نصرالله در ابعاد سیاسی و اجتماعی در منشور روحانیت چنین مرقوم می‌فرمایند: «صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است... آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت‌ها و تلخی‌هایی را متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گران‌قدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند...».

شهید نصرالله در طول ۳۲ سال رهبری خویش هیچ شبی را راحت نخوابید و از همان عنفوان جوانی که در سن ۲۱ سالگی با حکم حضرت روح الله دبیر کلی حزب‌الله را برعهده گرفت، در دو جبهه می‌جنگید. یکی در جبهه داخل با مخالفینی که می‌خواستند با دمیدن بر اختلافات بین شیعه، سنی و مسیحی، آتش جنگ‌های داخلی را برافروخته و لبنان را گرفتار جنگ‌های داخلی کنند و همزمان با خلع سلاح حزب‌الله، ابزار مقابله با دشمن بیرونی را از این حزب‌الله سلب کنند و از سوی دیگر، در مقابله با دشمن صهیونیستی لحظه‌ای آرامش نداشتند. زندگی او سراسر مبارزه بود. گواه این سخن، خروج صهیونیست‌ها از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، جنگ ۳۳ روزه و شکست خفت بار آنها در سال ۲۰۰۶ و ایستادن تا پای جان برای مردم مظلوم غزه از مهر ۲۰۲۳ تا لحظه‌ای که از این دنیای خاکی در مهر ۲۰۲۴ پر کشید و دهها میلیون نفر را در سراسر جهان و منطقه عزادار خویش کرد.

۳-اکنون با چنین مراسم تشییع بی‌نظیری که تاکنون در هیچ یک از جوامع عرب مصداقی نداشته است، گستره محبوبیت و تأثیرگذاری شهید سیدحسن نصرالله از لبنان، ایران و کشورهای عربی فراتر رفته و اکنون شهادت او این اثرگذاری را در کل جهان افزایش داده است. امام راحل(ره) در پیام منشور روحانیت، راز این محبوبیت الهی را چنین تبیین می‌کنند: «آن‌ها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند... در ترویج روحانیت و فقاهت نه زور سرنیزه بوده است، نه سرمایه پول‌پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند... خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است».

در درستی راه سید مقاومت و زندگی زاهدانه و سراسر خالصانه او همین بس که شخصیت‌های برجسته ادیان و مذاهب دیگر در تمجید او مرثیه‌ها می‌سرایند. آنجا که شیخ «خالد الملا» رئیس جماعت علمای اهل سنت عراق در بیان شخصیت این عزیز با گریه می‌گوید: «دیگر از نصرالله چه می‌خواهید. پسرش را تقدیم کرد. جگر گوشه‌اش را تقدیم کرد. نصرالله ۴۰ سال، همچون سدی محکم، در برابر صهیونیست‌های جنایتکار ایستاد. ۸۵ تن مواد منفجره بر سر او ریختند. این چه وحشتی است که صهیونیست‌ها از او دارند؟ شما می‌دانید ریختن ۸۵ تن مواد منفجره بر سر یک انسان یعنی چه؟ ای امت اسلام! او دیگر چه چیزی باید به شما تقدیم می‌کرد؟ اگر نصرالله دنیا را می‌خواست، در لندن زندگی می‌کرد یا در لس آنجلس یا در دیگر کشورهای غربی یا شرقی. نمی‌مرد. او فرزند زهراست. زندگی می‌کرد. و بر خلاف میل هزاران مسلمان هر آنچه می‌خواست به او می‌دادند. ولی او عزت و کرامت را برای ما و امت ما و مقدسات ما می‌خواست. نصرالله را در قلب‌هایتان جای دهید.»

این است راز محبوبیتی که امام راحل از روحانیت می‌خواستند و شهید نصرالله ترجمان حقیقی این راز بود. او شاگردی بود که با وجود فرسنگ‌ها فاصله فیزیکی با امام، پیام آن حضرت را درک و به آن عمل کرد و این در حالی است که جماعتی خود را در حلقه یاران امام می‌دانسته و می‌دانند اما مسیری را طی کردند که بر خلاف منشور روحانیت امام عزیز بود و به دلیل همین فاصله با آموزه‌های امام، امروز آنها در بین مردم مغضوب هستند.

حسن رشوند

گزارش کیهان از «استیضاح فراجناحی» وزیر اقتصاد

مطالبه نمایندگان ملت تغییر ریل اقتصادی دولت

سرویس سیاسی ـ

نمایندگان مردم از همه طیف‌ها و جناح‌های فکری، بر حسب وظیفه ذاتی و اختیار قانونی پس از «تذکر» مکرر به منظور دفاع از «ارزش پول ملی»، ساماندهی اقتصاد، بهبود شرایط و تغییر سیاست‌گذاری و ریل اقتصاد در روز ۱۲ اسفند از وزیر اقتصاد پرسش خواهند کرد.

در روزهای اخیر، روزنامه «آرمان ملی» با تیتر «استیضاح، تاکتیک پایداری برای پاستور»، روزنامه «شرق» با تیتر «همتی در چاله اقتصاد یا سیاست»، روزنامه «اعتماد» با تیتر «صحنه‌آرایی تندروها برای استیضاح»، روزنامه «هم‌میهن» با تیتر «بلخ و شوشتر» و «مردم سالاری» ذیل تیتر «مین‌گذاری تندروها برای اقتصاد» اقدام مجلس در جهت استیضاح همتی را جناحی و ناشی از رقابت سیاسی جا زدند.

بر اساس آمار منتشر شده ۱۱۴ نفر از نمایندگان تا لحظه تنظیم این گزارش خواهان استیضاح وزیر اقتصاد هستند که ۴۳ نفر از امضاکنندگان در دی‌ماه درخواست خود را در سامانه ثبت کرده و ۷۱ نماینده دیگر در بهمن و اسفند به این جریان ملحق شدند.

بر اساس همین آمار، کثرت درخواست‌کنندگان حاکی از تصمیم فراجناحی است و ادعای مدعیان اصلاحات مبنی بر جناحی بودن استیضاح با تکیه بر همین عدد و رقم به کلی نقض می‌شود.

از سویی، اضافه شدن ۷۱ نماینده به کارزار استیضاح پس از گذشت ۱ الی ۲ ماه، نشان از انتظار برای بهبود شرایط و ارائه پاسخ قانع‌کننده یا راهکاری برای برون‌رفت از شرایط فعلی اقتصاد دارد که در این فرصت نه‌تنها راهکاری ارائه نشد بلکه نرخ ارز از کانال ۷۰ هزار تومان به ۹۰ هزار تومان رسید.

در همین ارتباط، علی شیرین‌زاد، نماینده کرج در جلسه علنی ۵ اسفند گفت: حدود دو ماه است که مسئله استیضاح مطرح بوده و ثبت شده و تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس این استیضاح را امضا کردند و تقاضای برگزاری استیضاح دارند... سؤال بنده این است که در این دو ماهه گذشته، دولت و وزیر اقتصاد و سکانداران اقتصاد کشور، چه تصمیم و چه عزمی از خود برای تغییر شرایط اقتصادی کشور ارائه کردند. آیا جا نداشت که از این دو ماهی که پشت سر گذاشتیم، سیاست، استراتژی یا برنامه‌هایی را که مد نظر دارید را برای تغییر شرایط اقتصادی کشور ارائه می‌کردید.

حجت‌الاسلام جواد نیک بین، نماینده مردم کاشمر نیز با خطاب قرار دادن رئیس‌جمهور متذکر شد: این حجم نوسانات ارز و البته قیمت‌ها در بازار مردم را هاج و واج کرده، مردم پای کار شما هستند، بودند و خواهند بود ولی به شما عرض می‌کنم مسیر حرکت دولتتان را عوض کنید.

مدعیان اصلاحات در دو نقش منتقد و توجیه‌گر

گفتنی است، روزنامه‌های زنجیره‌ای به عنوان بازوی رسانه‌ای جریان غربگرا گاهی در نقش «منتقد» با فریب مردم و به منظور حفظ پایگاه اجتماعی، معترض شرایط اقتصاد و سیاست‌گذاری دولت شده و گاهی با رجوع به وظیفه سازمانی-حزبی به عنوان «توجیه‌گر» از سیاست‌های اقتصادی دولت دفاع می کنند.

به عنوان نمونه، روزنامه هم میهن با تیتر «۱۰۰ روز بدون برنامه عملیاتی» در نقش منتقد دولت ظاهر و ذیل تیتر «سناریوهای استیضاح» به عنوان مدافع ایفای نقش می‌کند.

این روزنامه (هم‌میهن) چندی پیش ذیل تیتر «۱۰۰ روز بدون برنامه عملیاتی» با انتقاد از بی‌برنامگی دولت، وضعیت اقتصادی را این‌گونه توصیف کرد: «صد روز از برگزاری مراسم تحلیف رئیس‌جمهور می‌گذرد؛ با وجود اینکه چشم امید مردم به اقدامات اقتصادی دولت چهاردهم بود اما همچنان به نظر می‌رسد معضلات اقتصادی، کماکان ادامه دارند».

متولیان شرایط فعلی اقتصاد به اسم مبارزه با «رانت»، «فساد» و «کاسبان تحریم» اقدام به گران‌سازی کرده و با «بحران مصنوعی» و «گروگان‌گیری اقتصاد» موجب افزایش نرخ ارز و قیمت طلا شدند؛ علاوه‌بر این، نرخ کالای اساسی، سبد خانوار، خودرو، دارو و برق و گاز نیز تحت تاثیر فرمول اجرائی سکانداران فعلی روند افزایشی گرفت تا با وجود تنگنای اقتصادی، میز مذاکره به عنوان تنها راه‌حل به جامعه پیشنهاد شود. به اعتقاد «جان مینارد کینز» نظریه‌پرداز و بنیانگذار مکتب اقتصادی، پایه‌های اجتماعی-اقتصادی یک حکومت در صورت کاهش ارزش پول ملی دچار تزلزل خواهد شد.

مرتبط با همین نگاه، فرشاد مؤمنی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی ذیل نقد سیاست اقتصادی دولت با بیان اینکه «سیاست‌های تورم‌زا باید خط قرمز تصمیمات دولت باشد»، خاطرنشان کرد: «سیاست تضعیف ارزش پول ملی، ابزار سیاستی است که ایران را زمین‌گیر و نظم اجتماعی آن را دچار اختلال‌های جدی می‌کند و به واسطه شوک‌های ناگهانی قیمتی، آسیب‌های همه‌جانبه‌ای را به همه عرصه‌های نظام حیات جمعی ما تحمیل می‌کند. هر کسی که الفبای اقتصاد سیاسی تعدیل ساختاری را بداند، حتما نسبت به این مسئله آگاهی دارد که این سیاست، رقبای خارجی را به مداخله‌های خشن علیه ما تحریک می‌کند و وقتی که ما ارزش پول ملی را تضعیف می‌کنیم، به شکلی می‌خواهیم تهاجم یا کودتای آنها علیه ما ارزان تمام شود».

حبیب قاسمی، نماینده شهررضا طی تذکری وضعیت را این‌گونه شرح داد: متاسفانه در شش ماه اخیر با کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی مواجه بودیم، این یعنی قدرت خرید مردم بسیار کاهش پیدا کرده است.

سینه‌چاکان سیاست‌گذاری فعلی اقتصاد برای مقابله با استیضاح و تصمیم نمایندگان مجلس درصدد هستند تا ناکارآمدی، سیاست غلط و اقتصادی و انفعال در ارائه برون‌رفت و بهبود شرایط اقتصادی را با تطمیع نمایندگان و لابی‌گری و سیاسی‌بازی جبران کنند.

حجت‌الاسلام علیرضا سلیمی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی در رابطه با همین موضوع نوشت: چرا با استفاده از ابزار تهدید همراه با دستکاری در بازار ارز یا تطمیع، برخی به‌دنبال مانع تراشی در استفاده نمایندگان از حق قانونی خود برای استیضاح وزیر اقتصاد هستند!؟

حسینعلی حاجی دلیگانی، نماینده شاهین‌شهر نیز افشا کرد: برخی مدیران و مقامات با دعوت نمایندگان به جلسه‌ها و وعده‌های مختلف، سعی در متوقف کردن روند استیضاح داشته‌اند، اما نمایندگان با استواری در برابر این فشارها ایستاده‌اند.

در همین شرایط، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در دیدار اعضای مجمع نمایندگان استان همدان در واکنش به طرح استیضاح وزیر اقتصاد با هدف انحراف و تمرکززدایی از ناکارآمدی اقتصادی گفت: با تغییر آدم‌ها مشکل حل نخواهد شد. اقتصاد و تلاطم‌های اقتصادی تأثیر زیادی از اخبار و اتفاقات می‌گیرد.

روزنامه «جهان صنعت» در رابطه با اشراف و مدیریت رئیس‌جمهور نوشت: همه هنر و رفتار سیاسی مسعود پزشکیان پس از فراخوان ارزی اعضای مجلس این بود که سرزده به بانک مرکزی و نیز سرزده به وزارت اقتصاد رفت. لابد راهبرد او برای حمایت از اعضای کابینه حکم می‌کرده است این دو رفت‌وآمد را انجام دهد.

افزایش قیمت‌ها متاثر از پالس به بازار

سیاست‌گذار اقتصادی نباید با گفتار و رفتار و نوشتار خود محیط اقتصادی و کنشگران آن را تحت تأثیر قرار دهد و به التهاب جامعه و یا آرامش آن دامن زند، این درحالی است که وزیر اقتصاد آگاهانه یا بدون آگاهی نسبت به این کار آقدام کرده و می‌کند.

سمیه رفیعی، نماینده تهران در ابطه با پالس‌های وزیر اقتصاد و تاثیر آن بر بازار اظهار کرد: نمی‌دانم این رفتار آقای همتی آگاهانه است یا از سر ناآگاهی است ولی چرا تا بازار می‌خواهد آرام شود راجع به دلار و طلا صحبت می‌کند و باعث جهش قیمت آنها می‌شود؟!

به هر ترتیب، سیاست اقتصادی دولت چهاردهم با بازی با نرخ ارز و سکه، هم‌سو با سوداگران به ارزش پول ملی شبیخون زده و با کاهش قدرت خرید مردم اقتصاد را به وادی سقوط نزدیک می‌کند. با این وجود نمایندگان مردم در بهارستان پس از تذکرات دلسوزانه بر حسب وظیفه ذاتی و اختیار قانونی به منظور دفاع از «ارزش پول ملی»، ساماندهی اقتصاد، بهبود شرایط و تغییر سیاست‌گذاری و ریل اقتصاد در روز ۱۲ اسفند از وزیر اقتصاد پرسش خواهند کرد.

خبر ویژه

دلقک آمریکا شدن چه عیب و عبرتی داره؟(!)

«آیا واقعاً این نقدها درباره زلنسکی بجاست و او درخور شماتت‌های روزهای اخیر است که می‌گویند زلنسکی و اوکراین عبرت هستند؟».

سردبیر روزنامه هم‌میهن ضمن طرح پرسش فوق، به دفاع از زلنسکی برآمده و نوشت: «این روزها، رسانه‌ها و فضای مجازی پر شده از متن‌هایی که مدعی درس‌آموزی از تجربه اوکراین است و در آن، با زبان تحلیل و گاه تحقیر در نقد الگوی سیاست‌ورزی ولودیمیر زلنسکی در جنگ سه‌ساله با روسیه سخن می‌رود.

مبنای این نقدها نیز، برخوردی است که آمریکای ترامپ با اوکراین و فراتر از آن، اتحادیه اروپا داشته است. حملات و جملات تند و تحقیرآمیز ترامپ علیه زلنسکی و برخورد طلبکارانه او و پوتین با منابع کانی و اراضی اوکراین نیز همچون بنزین، آتش این نقدها را شعله‌ورتر و زبان منتقدان را تیزتر می‌کند. اما آیا واقعاً این نقدها بجاست؟ چرا طی این سه سال، منتقدان چنین نقدهای رادیکالی را متوجه زلنسکی نمی‌کردند و حتی او را که زمانی کمدین بود، در جایگاه یک رهبر ملی و حتی ژنرال مدبر نظامی می‌دیدند که توانسته مقابل خرس سرخ روسی بایستد و ارتش پوتین را به عقب‌نشینی وادارد؟

آیا همه این بی‌تدبیری‌ها، نادانی‌ها، بازی‌خوردن‌ها و شکست‌ها یک‌باره از آسمان نازل شده و آن رهبر کوچک اما توانمند را چون جن‌زدگان و مسحورشدگان تغییر حال داده است و او را از جایگاه رئیس‌جمهور بموقعیت کمدین بازگردانده است؟ طبعاً، چنین نیست. زلنسکی همان زلنسکی سه سال پیش و چند ماه پیش است.

پس چه چیز تغییر کرده است؟ روشن است. دونالد ترامپ بازگشته و در رأس بزرگ‌ترین قدرت جهان نشسته است. او، حتی از دور اول ریاست‌جمهوری‌اش هم خطرناک‌تر است. اگر او در دور اول، همچون ناآشنایی در شهر غریب می‌نمود و صرفاً تاجری بود که وارد بازی سیاست شده و از این‌رو، ناچار به آشنایان سیاست متوسل می‌شد؛ این‌بار، گویی با تیم خود به میدان آمده است و مهم‌تر از آن، با نظریه خود.

با جهانی مواجهیم که اقتدارگرایی و راستگرایی افراطی در بزرگ‌ترین کشورهای جهان (آمریکا، چین، روسیه و هند) حاکم شده است و شبح آن بر سر کشورهای مهم اروپا هم دور می‌زند. صرفاً دولتی جدید در آمریکا بر سر کار نیامده است؛ نسخه‌ای جدید از جهان در حال ظهور است. نسخه‌ای که پشت سران کشورهای قدرتمندی چون آلمان و فرانسه و کانادا و اتحادیه اروپا را لرزانده است. این، جهان جدید است. جهانی که در آن الیگارشی مهره‌چینی می‌کند و هیچ ارزشی جز سودآوری بیشتر را پاس نمی‌دارد. حتی شعار ترامپ با عنوان «پایان جنگ‌ها» و تحکم او برای برقراری صلح در غزه و اوکراین، مبنایی تجاری دارد و نه ارزشی ذاتی.

البته، تحقیر و تمسخر و انگشت‌نما کردن سیاستمداران آسان است. مخصوصاً یکی که فتاده باشد و پا زدن به او، بی‌هزینه و رایگان. اما بر تحلیلگر منصف فرض است که در قبال افتادگان، اتفاقاً منصفانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر قضاوت کند. علیه زلنسکی نوشتن و او را تمسخر کردن و آئینه عبرت خواندن آسان است. ترامپیست‌های آمریکایی و ایرانی و نیز روسوفیل‌های پوتینی را نیز خوش می‌آید. اما منتقد و سیاست‌ورز منصف، پیش از قضاوت از خود می‌پرسد اگر سه‌سال قبل جای زلنسکی بودم و با دشمنی غدار و مکار و با لشکر گران آن مواجه می‌شدم، چه می‌کردم؟ آیا از جامعه بین‌المللی کمک نمی‌خواستم؟ آیا به ناتو و آمریکا امید نمی‌بستم؟ آیا ملت خود را به این امید، نوید نمی‌دادم و در جهت متحد ساختن آنان برنمی‌آمدم؟ اصولاً، چه کار دیگری توانستم کردن؟»

درباره تحلیل روزنامه غربگرای هم میهن باید خاطر نشان کرد که زلنسکی، یک سیاستمدار و رهبر مستقل ملی نبود؛ بلکه کمدین (دلقک مبتذلی) بود که با مهندسی آمریکا و غرب در قالب کودتای مخملین و انقلاب رنگی سر کار آمد و در حالی که هیچ سررشته‌ای از سیاست و روابط بین‌الملل نداشت، آلت دست مطلق آمریکا و غرب شد. واگذاری پایگاه‌های اطلاعاتی و نظامی به غرب در همسایگی روسیه، ریسک خطرناکی بود که دولت اوکراین به ریاست زلنسکی (و بر خلاف معاهدات موجود میان طرفین) انجام داد. این واقعیت را حتی محافل رسانه‌ای و نظریه پردازانی مانند مرشایمر مورد اذعان قرار داده‌اند که زلنسکی آن روز اوکراین را قربانی تجاوز طلبی آمریکا در کنار مرزهای روسیه کرد. نتیجه این بود که اوکراین گوشت دم توپ شود و در ادامه از نگاه آمریکا و ناتو، بهانه‌ای برای فرسایش توان اقتصادی و نظامی روسیه (به قیمت ویرانی خود این کشور) قلمداد گردد. حالا هم تاریخ مصرف زلنسکی نه فقط از نگاه ترامپ بلکه حتی برخی دولت‌های اروپایی تمام شده و همان‌ها که این عروسک خیمه شب بازی را علم کردند، به تکانی زیر می‌کشند و یا از او می‌خواهند قباله باقی مانده منابع و معادن را به نام آمریکا کند و ضمناً صورت حساب ۳۵۰ میلیارد دلاری مورد ادعای آمریکا درباره هزینه برای جنگ را هم بپردازد. علت این مصیبت، بی‌ریشگی و آلت دستی است و نه قهرمان دفاع ملی بودن. در واقع زلنسکی برای ناتو می‌جنگید و نه برای کشورش.

این نکته هم گفتنی است که اگر سردبیر هم میهن امروز به ترامپ بد و بیراه می‌گوید تا زلنسکی بودن را توجیه نماید، اما همین روزنامه در هفته‌های گذشته بارها از ترامپ به عنوان تاجری اهل معامله که می‌شود با او توافق کرد، یاد نموده بود. جناب سردبیر هم یادش نمی‌آید که شهریور ۱۳۹۹ با اشاره به تحقیر رئیس‌جمهور صربستان از سوی ترامپ، در نشریه «صدا» نوشت: «از نگاه منتقدان، عکسی که ترامپ از مذاکره‌کننده می‌پسندد، این است: همچون برّه‌ای در مذبح و برده‌ای در مسلخ. آیا اقداماتی از این جنس را باید مایه شرمساری دانست؟ فرض کنیم سیاستمدار صرب همچون متهمی در اتاق بازجویی و حتی یک برده در مقابل همتای آمریکایی نشسته؛ اگر منافع چنین اقتضایی کند، باید این اقدام را تمسخر کرد، یا عقلانیتی سیاسی خواند؟»!

آن روز رفتار تحقیرآمیز را توجیه کرد و امروز هم حقارت و بی‌ریشگی دلقکی به نام زلنسکی را توجیه می‌کند.

اشتباه بزرگ تیم اقتصادی دولت ایجاد شوک ارزی بود

کارشناس اقتصادی حامی دولت معتقد است: سیاست‌های ارزی نادرست دولت در قالب شوک، بیشترین ضربه را به تیم اقتصادی دولت زد.

وبسایت فارو با بیان اینکه «پرسش‌هایی درخصوص نقاط ضعف و قوت تیم اقتصادی دولت مطرح است و این سؤال وجود دارد که اشتباهات موجود در کارنامه همتی وزیر اقتصاد تا چه حد پررنگ است؟»، از قول مرتضی عزتی استاد دانشگاه تربیت‌مدرس نوشت: ما با تحریم مشکل شدید داریم و طبیعی است که وقتی تحریم و فشار شدید باشد، نمی‌توانیم رشد اقتصادی خوبی داشته باشیم، همچنین این وضعیت منتهی به افزایش تورم می‌شود. این‌ها بسیار روشن است و کسی هم که منکر فشارهای تحریمی باشد سخن غیرکارشناسی زده است. اما مسئله این است که اگر سیاست‌های بهتری اعمال کنیم، کمی بهبود رشد اقتصادی و کاهش تورم را تجربه می‌کنیم. بنابراین اشاره به تحریم‌ها، درست است، ولی منوط‌کردن نتیجه هر سیاستی به آن عالمانه نیست. درست است که تحریم‌ها، اقتصاد را تحت فشار قرار داده، اما اگر سیاست‌های درستی اعمال کنیم، فشارها کاهش پیدا می‌کند. این‌جا است که اهمیت سیاست تثبیت و پیشگیری از هر نوع شوک احتمالی به اقتصاد کشور پررنگ می‌شود. از این پس لازم است هر چه زودتر در سیاست‌های اقتصادی بازنگری کنیم.

وی افزود: شاید بزرگ‌ترین خطای تیم اقتصادی و بهتر بود انجام نمی‌دادند این بود که نرخ ارز را اضافه کردند. درست است که این تصمیم با تصور اشتباه تک‌نرخی کردن ارز بود. اگر تحلیل درستی از اقتصاد می‌شد، درک می‌شد که تک‌نرخی شدن ارز عملا غیرقابل انجام است. کارشناسان مستقل گفتند امکان تک‌نرخی شدن نیست و این برداشت درباره تک‌نرخی شدن ارز اشتباه است و نباید انجام می‌شد. متاسفانه استدلال، آگاهی و تفکر غلطی نسبت به اقتصاد بود که این شرایط را رقم زد. همه این‌ها ناشی از عدم دقت در سیاست‌گذاری‌ها است. این‌ها مبناهای غلط در سیاست‌گذاری است. اکنون در شرایطی هستیم که باید با تمام توان از ارزش پول ملی حفاظت و به رشد اقتصادی کمک کنیم.

استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس گفت: یکی از مهم‌ترین روش‌های کاهش تنش، تثبیت نسبی نرخ ارز و رشد آهسته نرخ ارز است. بهتر بود به جای این که به شکل ناگهانی ۵۰ درصد ارز مرکز مبادله را افزایش داده و از ۴۴ تومان به ۶۶ تومان ببرند، ماهی هزار تومان می‌افزودند تا یک نرخ تثبیتی با شیب ملایم ایجاد می‌کردند و در نهایت به نرخ تورم می‌رسیدند. اقدامات اخیر، در اقتصاد کشور، شوک ایجاد کرد که منتهی به جهش شد و جهش، روند حرکت افزایشی را سرعت بخشید. اما اگر آرام آرام حرکت می‌کردیم، قطعا شرایط برنامه‌ریزی حساب‌شده‌تری را برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کردیم و افزایش نرخ در کنترل سیاست‌گذار باقی می‌ماند و از دست او خارج نمی‌شد. در نهایت، اقتصاد کشور سود بیشتری می‌برد.

وی درباره شرایط تحریمی کشور و این استدلال که برخی معتقدند در این شرایط فرقی نداشت چه کسی وزیر باشد، گفت: لازم است هر چه زودتر در سیاست‌های اقتصادی بازنگری کرده و تدبیرها را متناسب با سیاست‌گذاری علمی پیش ببریم. در سیاست‌گذاری علمی، از امکان‌پذیری تا آثار هر تصمیم به دقت ارزیابی می‌شود. درست است که ممکن است یک هدف خوب به نظر می‌رسد، اما اگر این هدف خوب، امکان تحقق نداشته باشد و سیاست‌های اجرائی انتخابی ما را به آن هدف نرساند، آثار منفی سنگینی خواهد داشت.

گفت و شنود

برق همسایه!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: «گیدعون ساعر»، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی گفته است «دولت جدید سوریه یک گروه تروریستی از ادلب است که دمشق را به زور تصرف کرد.»!

گفت: تروریست‌های تحریرالشام که مورد حمایت رژیم صهیونیستی بودند و در تل‌آویو و حیفا زیر نظر ارتش صهیونیستی آموزش دیده بودند و نیم ساعت بعد از آتش‌بس توسط این رژیم وارد سوریه شدند.

گفتم: و بلافاصله بعد از ورود آنها، رژیم صهیونیستی تمام زیر ساخت‌های سوریه را بمباران کرد و همزمان با این اقدام صهیونیست‌ها، جولانی، رهبر ظاهری تروریست‌ها اعلام کرد که هرگز اجازه نمی‌دهیم از خاک سوریه علیه اسرائیل اقدامی انجام شود!

گفت: صهیونیست‌های بی‌پدر و مادر دارند نعل وارونه می‌زنند! تا سابقه مزدوری این تروریست‌های کثیف برای اسرائیل را بپوشانند و آنها را برای یک ماموریت صهیونیستی دیگر آماده کنند!

گفتم: یارو چنان به مال مردم‌خوری عادت کرده بود که برای صرفه‌جوئی با برق همسایه خودکشی کرد!

نکته

دو کلمه حرف حساب درباره استیضاح!

۱- استیضاح آقای همتی، وزیر محترم اقتصاد، موضوع این وجیزه نیست بلکه سخن درباره استیضاح است، صرفنظر از اینکه موضوع آن وزیر اقتصاد کنونی و یا هر وزیر دیگری باشد. در این خصوص گفتنی‌هائی هست که به نظر می‌رسد مورد توجه قرار نگرفته و یا توجه کمتری را درپی داشته است. بخوانید!

**۲- روز دوشنبه (۶ اسفندماه جاری) آقای پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم کشورمان در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان استان همدان، در واکنش به طرح استیضاح آقای همتی، فرموده‌اند: «با تغییر آدم‌ها مشکل حل نخواهد شد»! که در این خصوص باید گفت: اگ